

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان قاضی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۸ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۶۵۰۰۷-۰۹۱۲۳۵۸۳۲۹۳ • چاپ: مصمیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۲ • ۱۱ ذی‌القعدة۱۴۴۴ • ۳۱ می ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۶۷ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۴:۰۲ • اذان مغرب ۱۹:۳۵
اذان صبح فردا ۳:۰۶ • طلوع آفتاب ۴:۵۰

# شرق

دیالوگ روز

**عصائی نیتسم - رضا درمیشیان - ۱۳۹۲**

نوید ( نوید محمدزاده): دلم می‌خواد

قبل مرگم یکی باشه

که همه موزیک‌های تو دلم رو بدم بهش گوش کنه.

#### حقوق‌خوانی

### روزنامه‌نگار و دادرسی عادلانه



**کامیاب نوروزی**

**حقوق‌دان**

بعد از هشت ماه بالاخره دادگاه نیلوفر حامدی و الهه محمدی برگزار شد. دو روزنامه‌نگاری که در اولین روزهای اعتراضات نیمه دوم سال گذشته بازداشت شدند و در تمام این مدت در بازداشت به سر بردند. آنها در یک کار روزنامه‌نگاری میدانی و با هماهنگی مدیران مسئول روزنامه‌های خود، اخباری از مهسا امینی گردآوری کرده و به روزنامه‌های خود (شرق و هم‌مهپن) تحویل داده بودند. هرچند با توجه به اتمام تحقیقات و صدور قرار جلب به دادرسی برای هر دو روزنامه‌نگار به نظر می‌رسد موجبی برای ادامه بازداشت آنها باقی نبود ولی به‌رحال بعد از آن بازداشت طولانی دادگاه آنها برگزار شد. اخبار محدودی که از محاکمه هر دو منتشر شده حاکی از آن است که:

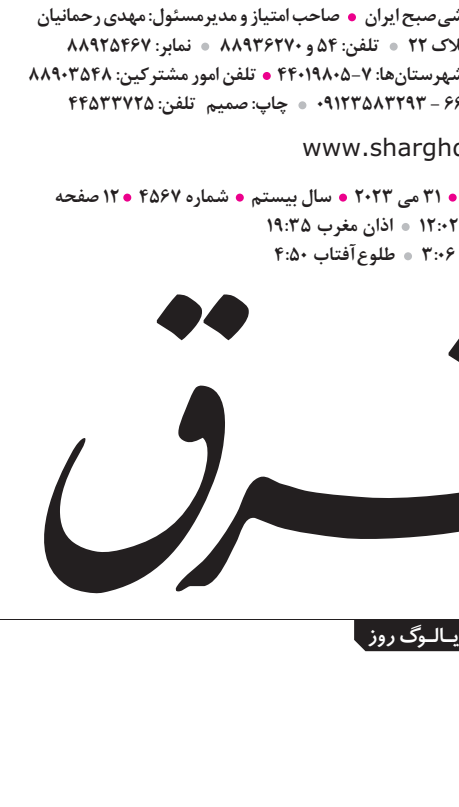
ولکای متهمان صرفا یک روز قبل از محاکمه توانسته‌اند موکلان خود را ملاقات کنند. وکیل باید بتواند برای تمهید و تدارک دفاع هم پرونده را به دقت و در فرصت کافی و مناسب مطالعه کند و هم با فرصت کافی با موکل خود گفت‌وگو کند. وقتی پرونده متهمی از نظر مقام قضائی چنان مهم است که او را هشت ماه در بازداشت نگه می‌دارد، وکیل متهم نیز باید آن‌قدر فرصت برای ملاقات و گفت‌وگو با موکل و مطالعه پرونده داشته باشد که امکان دفاع از او را فراهم کند. ظاهراً چنین مجالی برای ولکای نبوده است.

محاکمات علنی نبوده‌اند. هرچند به گفته همسر نیلوفر حامدی در محاکمه ایشان اعضای خانواده حضور نداشتند ولی کسان دیگری که معلوم نبود چه سمتی دارند، در جلسه دادگاه حاضر بودند. به‌رحال خواه اینکه دادگاه رسماً برای این محاکمات قرار غیرعلنی بودن صادر کرده باشد یا اینکه عملاً محاکمه را غیرعلنی کرده باشند، آنچه مشخص است جریان محاکمه برای عموم مکتوم و پنهان است.

در هر دو دادگاه عمدتاً کیفرخواست‌ها قرائت شده‌اند و هر یک از متهمان به‌طور مختصر و کوتاه حرف‌هایی زده‌اند. گفته شده است آنها اتهامات خود را رد کرده‌اند اما نکته مهم این است که وکلای فرصت سخن و دفاع پیدا نکرده‌اند. این نکته از آن جهت اهمیت دارد که برخی موارد و ایرادها به پرونده و صلاحیت دادگاه باید در جلسه اول محاکمه مطرح شوند.

از محتویات کیفرخواست‌ها اطلاعی نداریم؛ اما با توجه به اتهاماتی از قبیل ارتباط با دولت‌های متخاصم، اجتماع و تبانی علیه امنیت ولی و نشر اکاذیب می‌توان گمان برد که کیفرخواست مفصلی علیه هر دو روزنامه‌نگار تنظیم شده باشد. به همین قیاس باید متهمان و ولکای آنان نیز می‌توانستند در همان جلسه اول حداقل بخش‌هایی از دفاعیات خود را مطرح کنند که این فرصت برای آنها فراهم نشده یا فقط متهمان توانسته‌اند چیزی بگویند.

در دادرسی عادلانه علنی بودن محاکمه، دادن فرصت کافی به وکیل برای تدارک دفاع، دادن فرصت کافی به متهمان برای دفاع در دادگاه، دادن فرصت کافی به وکلای برای دفاع از موکل در دادگاه از شرایط اساسی است. محاکمه هنوز به پایان نرسیده و قرار است وقت دیگری برای جلسه بعدی تعیین شود که هنوز هم معلوم نیست. امیدوارم تا جلسه بعدی و در جلسه بعدی وکلای به پرونده‌های موکلان دستری کامل داشته باشند تا بتوانند را آن به تفصیل مطالعه کنند. دادگاه علنی برگزار شود و خبرنگاران رسانه‌ها امکان حضور در دادگاه داشته باشند و متهمان و موکلانشان فرصت کافی برای دفاع پیدا کنند. بالاخره حال که محاکمه الهه محمدی و نیلوفر حامدی آغاز شده است، دادگاه می‌تواند با استفاده از اختیارات قانونی قرار بازداشت آنها را به قرار سبک‌تر تبدیل و شرایط آزادی آنان را فراهم کند. اگر هم چنین چیزی مورد نظر دادگاه نیست، دست‌کم موجبات قانونی ادامه بازداشت را برای روشن‌شدن افکار عمومی و جامعه روزنامه‌نگاری اعلام کند.



#### گزارش خانه سینما از مسائل مالی تا تفاوت دیدگاه درباره مسائل سینما

## نشست خبری خانه سینما برگزار شد

شرق: نخستین نشست خبری «مرضیه برومند» در مقام مدیرعامل خانه سینما و «محمد مهدی عسگرپور»، رئیس هیئت‌مدیره، فرصتی بود برای پرداختن به مسائل مهم صنفی و مشکلاتی که اکنون بر سر راه سینماگران و خانه سینما قرار دارد.

♦♦♦

**مسائل مالی؛ پاشنه آشیل**

«مرضیه برومند» در ابتدای این نشست به فراز و نشیب‌های جاری در خانه سینما در سال‌های اخیر اشاره کرد و مشکلات مالی خانه سینما را یکی از پاشنه آشیل‌های این نهاد صنفی توصیف کرد. او گفت: «ما ۷۰۰ میلیون تومان بدهی به بیمه تأمین اجتماعی داریم و کل امور در این بخش به این صورت پیش رفت که من به جایی رسیدم که گفتم می‌خواهم استعفا دهم، من برای انجام کارهای بزرگ به خانه سینما آمدم.»

او گفت: «ما با سازمان سینمایی که دوست هم هستیم، بر سر ماهیت خانه سینما اختلاف داریم. آنها می‌خواهند ما یک مؤسسه فرهنگی باشیم؛ ولی ما صنف هستیم. ما نمی‌خواهیم با هم اصطکاک داشته باشیم و روبه‌روی هم باشیم. آنها بخش دولتی سینما هستند و ما بخش خصوصی؛ پس برخی قوانین در آن بخش باید تغییر کند.»

**نیز به تغییر اساسنامه**

محمد مهدی عسگرپور، رئیس هیئت‌مدیره خانه سینما، هم پیرو صحبت‌های برومند درباره مشکلات مالی گفت: «ما از مجموعه‌ای که طبق قانون می‌توانست طلبکارانه حق خود را بگیرد، به جایی تبدیل شد.ایم که باید دست دراز کنیم و در این‌بین برخی همکاران تاریخچه‌ای را که بر اینجا گذشته، فراموش می‌کنند. آنچه می‌گویم هم متعلق به این دولت نیست. در دولت‌های قبل هم چنین ماجرابی وجود داشت. در این زمینه پیشنهاد مشخص ما این است که ما را به همان وضعیت قبل برگردانند. اساسنامه خانه سینما مثل شخصیت یکی از فیلم‌های خانم برومند «اسمش را نبر» شده است و تا اسم آن می‌آید، برخی فکر می‌کنند یک چیز مخملی کودتاپطور است؛ در صورتی‌که باید اساسنامه خانه سینما به‌روز شود. سسر این موضوع با دولت قبلی و فعلی و موضوعاتی وجود داشته و انکار نوعی توهم توطئه پیش می‌آید.»

#### نقد هفته

### فناعت، خاک گور و چند مورد دیگر



**امیر عربی**

**چشم‌پزشک**

نظر به اینکه معمولاً در یادداشت‌های خود یک هفته در میان زاویه دیدمان را تغییر می‌دهیم، یعنی یک هفته از رفتار بعضی پزشکان یقه چاک می‌دهیم و هفته بعد از رفتار بعضی مسئولان درمانی فرق بر سر میز می‌کویم، این هفته نوبتی هم باشد نوبت همکاران پزشک است. آنگونه که من در این یکی به نعل‌زدن‌ها و یکی به میخ کوبیدن‌ها اسب تندرویی در نمی‌آید، ولی حداقل در دو، سه بار اگراف

این یادداشت‌ها عدالت را رعایت کرده‌ایم. قبلاً درباره دوقطبی عمیق جامعه پزشکان صحبت کرده بودیم. جایی که پزشکان مسن‌تر به علت بکریودن ذاتی رشته پزشکی در دهه‌های قبل. تا بن دندان به ثروت و شهرت مجهز شدند. درحالی‌که اگر با همان هوش و استعداد الان و در این دوره با این شرایط و رقابت سخت اقدام به تحصیل می‌کردند، به یک هیچ بزرگ نائل می‌گشتند. همین عزیزان به شکل رگباری اقدام به فرزندآوری کرده‌اند که از قضا فرزندان هم با همان هوش و استعداد نیم‌بند پدری یا مادری، بدون دستاورد خاص علمی پله‌های ثروت را دو تا یکی بالا می‌روند و به اسم سس‌سمیه‌هایی مانند فرزندان هیئت علمی و… با زینت لال از طریق رانت و رانت‌خواری، متخصص و فوق‌تخصص می‌شوند. مقابل این طب، قطب دومی قرار دارد که پزشکان جوانی هستند که اغلب معلم‌زاده یا کارمندزاده هستند و از پس کنکورها و شب‌بیداری‌ها و تعویض قوانین و خیلی چیزهای دیگر در مسیر پزشکی خود، از آنها تنها یک روح شرع‌شرحه مانده و یک جسم نیمه‌جان که با آنها باید یا تن به بردگی قطب اول بدهند، یا زیباچو از کف خیابان جمع کنند، یا بزنند به دریا و برود ناکجاآباد کشور تا بتوانند مالیاتشان را به موقع پرداخت کنند؛ جایی که سوختگی نگارنده این متن و احتمالاً خوانندگان آن به اوج می‌رسد اینجاست که همین قطب اولی‌ها، یعنی خانواده‌های ثروتمند و متمول پزشک که جامعه پزشکی را با ثروت و تسلط خود قبضه کرده‌اند، به شکل عجیبی تکاپویشان برای مهاجرت زیاد شده است، به طوری که هرچند وقت یک بار می‌پیچد که دکتر فلانی که پسر استاد فلانی است در فرودگاه امام سلفی وداع را گرفت و رفت؛ او روز بعدش دکتر بهمانی فرزند استاد بهمانی در همان لوکیشن از فرودگاه امام سلفی وداع و درخواست حلالیت را صادر می‌کند، تازه چند تا هم به اوضاع مملکت می‌توپد و می‌رود. اخیراً هم چند مورد از خود استادان (نه فرزندانشان) اقدام به رفتن کرده‌اند. سؤال بزرگ اینجاست که شما چرا؟! شمایی که در قطب اول ذکرشده در بالا، دستاوردهایتان با اختلاف بالائی از لیاقتتان است و هرچه دارید از این مملکت دارید و اگر با همین مجموعه از توانایی‌ها هر جای دیگری بودید شاید حتی پزشک هم نمی‌شدید، شما دیگر از چه چیزی دلتان پر است که می‌توپید و می‌روید؟! شاید بدون اینکه این عزیزان خودشان هم خبر داشته باشند صرفاً در رقابت و چشم و هم‌چشمی با هم‌صنفانشان، می‌روند که فرزند استاد فلانی جلوی فرزند استاد بهمانی کم نیارود. شاید هم صرفاً یک حرص و طمع ناشی از شکم سیر است که به قول سعدی یا قناعت پرش می‌کند یا خاک گور، یا در این مورد خاص جهانگردی؛ جا دارد در پایان یادی کنیم از قطب دوم جامعه پزشکی که با وجود مصائب وارده و بی‌احترامی‌هایی که صورت می‌گیرد، همگی پای کارشان ایستاده‌اند و هرگز کدایی وطن‌شان را به شیر و شکر غربت نمی‌فروشند.



♦ تکثیر مصنوعی گونه اقتصادی و ارزشمند ماهی بزرگ‌سر دریای خزر برای نخستین بار در کشور در مرکز بازاری و حفاظت از ذخایر ژنتیکی ماهیان استخوانی رشت آغاز شد.
عکس:مجتبی محمدی/ایرنا

#### اتفاق‌خوانی

### کاشت گوجه در موزه هنرهای معاصر



تبدیل‌کردن بخشی از موزه‌ها به محلی برای کاشت از فعالیت‌هایی است که در وزارت میراث فرهنگی عزت‌الله ضرغامی رخ داده است.

**جالیز معاصر**

به‌تازگی صدرا محقق، روزنامه‌نگار، در توییتی نوشته است: «در باغچه‌های محوطه داخلی موزه هنرهای معاصر، گوجه، کدو، پیاز و خربزه کاشتنده». او چندین عکس هم منتشر کرده که مکان دقیق این باغچه‌ها را نشان می‌دهد. این مکان‌ها که در معرض دید نیستند و در پشت پنجره‌های موزه در حیاط قرار دارند، این بخش‌ها را تبدیل به جالیز موزه هنرهای معاصر کرده است. موزه هنرهای معاصر تهران یکی از موزه‌های مطرح ایران و جهان است. این موزه در سال ۱۳۵۶ در گوشه غربی بوستان لاله بنا شد و کامران دیبا بنای این مکان را در سبک معماری مدرن و با الهام از بادگیرهای کوبوری ایران طراحی کرده است. این موزه به داشتن آثار مدرن مشهور جهان از اندی وار هول تا یولاک مشهور است و حالا این اتفاق برای آن رخ داده است. البته چندی پیش نیز در این مکان حشراتی دیده شده بود که پس از مدتی اعلام شد. از بین رفته‌اند. عبادرضا اسلامی‌گولایی در اسفند ۱۴۰۰ به‌عنوان رئیس جدید موزه هنرهای معاصر تهران منصوب شد.

**باغچه‌های موزه فرش**

پیش‌تر نیز اتفاقی نظیر این در موزه فرش رخ داده بود و حوض‌ها تبدیل به باغچه شده بودند. پاییز سال پیش خبری منتشر شد که سجاد نوروزیان دستور داده که در هفت‌حوض حیاط موزه فرش کل کاشته و تبدیل به باغچه شود؛ البته اولی‌ه ترمیم خواهند شد». در توضیح نبود و او قصد داشت کتاب‌های نفیس کتابخانه موزه فرش را امحا کند و به‌جای آن از باغ کتاب، کتاب‌های جدید بخرد؛ دستوری که با اعتراض بسیاری روبه‌رو شد و مشخص نیست که سرانجام این اتفاق رخ داد یا خیر! طراح موزه فرش «عبدالعزیز فرمانفرمایان» است. طبقه همکف این موزه برای نمایش دائمی ۱۵۰ قطعه فرش و زیست شبانه کارتن‌خواب‌ها تبدیل شده و فضولات انسانی سبب نظرفرگفته شده است. هفت حوض حیاط بیرونی این بنا براساس اعداد مقدس ایرانی بنا شده است و حوض آب که رکن اصلی هویت‌بخشی معماری سنتی ایرانی را دارد، در آن تعبیه شده بود؛ اما نکته عجیب این است که ۹ آبان ۱۴۰۱ در جوابیه اعلام شد این تغییر حوض به باغچه «اقدامی موقت و برای زیبایی بوده و به محض ابلاغ اعتبار، حوض‌ها به حالت اولیه ترمیم خواهند شد». در توضیح این تغییر هم آمده بود: «برای بهسازی محیطی موزه فرش و احیای حوض‌های هفت‌گانه ورودی موزه و اصلاح فضای سبز درخواست اعتبار شد. براساس این با توجه به اینکه حوض‌های هفت‌گانه به‌واسطه عقب‌نشینی سردر و طراحی جدید حصار، در خارج از عرصه موزه فرش قرار گرفته و به محلی برای تجمع و تخلیه زباله و زیست شبانه کارتن‌خواب‌ها تبدیل شده و فضولات انسانی سبب ایجاد فضای نامطبوع در ورودی موزه شده بود، از سوی شهرداری منطقه به‌طور موقت فضای داخلی حوض‌ها پس از پاک‌سازی، گل‌کاری شده». در این اطلاعیه تأکید شده که «از نظر فنی نیز ایجاد باغچه موقت در بازه زمانی کوتاه، آسیبی متوجه حوض‌ها نخواهد کرد». از آن زمان تاکنون هنوز باغچه‌ها برپا هستند و به نظر نمی‌رسد قصدی برای تغییر وضعیت و بازگشت آنها به حوض اقدامی قرار است صورت بگیرد. همچنین آن زمان درباره گسترش سوسک‌ها و حشرات در این موزه بارها مطالبی منتشر شد. سجاد نوروزیان خود را چلمن سیزدهم معرفی می‌کرده، با حکم عزت‌الله ضرغامی، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به ریاست موزه فرش ایران رسیده بود.

**خلاف‌قوانین**

این اقدامات از منظر برخی فعالان میراث فرهنگی خلاف قوانین و ضوابط مجلس شورای اسلامی ایران است؛ چراکه طبق قانون «منهدم‌کردن یا خرابی وارد‌آوردن به آثار ملی و مستورساختن روی آنها به اندود یا رنگ و رسم‌کردن نقوش و خطوط بر آنها» جرم محسوب می‌شود. موزه فرش ایران و موزه هنرهای معاصر در فهرست آثار ملی قرار دارند. هرگونه تغییری در محوطه و بنای این مجموعه مشمول قوانین میراث فرهنگی می‌شود.

#### ادامه از صفحه ۸

### ضرورت توجه به کارکرد کانون وکلا به‌عنوان یک «نهاد واسط»

… از اعتبار و جایگاه خویش برای افزایش کارآمدی دولت‌ها و خروج از برخی بحران‌های داخلی و بین‌المللی سود برده و حتی در مواردی با میانجیگری میان مردم و دولت، با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، راه میانه‌ای را پیش‌روی طرفین قرار دهد و از بار حکمیت برای حل‌وفصل موضوعات داخلی و بین‌المللی تا حد درخور توجهی بکاهد. درواقع کانون وکلا در بعد داخلی می‌تواند به‌عنوان نهادی واسط، نیازها و خواسته‌های شهروندان را در چارچوب‌های مقرر قانونی، روشن‌تر و و منقح کرده و توقعات فردی غیراگاهانه را در قالب خواسته‌های جمعی و متناسب با محدودیت‌های موجود ابراز و اعلام کند و در نهایت مکانیسم‌های انتقال خواسته‌های عمومی را به دولت و دستگاه‌های ذی‌ربط بهبود بخشد. از بعد بین‌المللی نیز جایگاه کانون وکلا به‌عنوان یک نهاد واسط میان دولت و دیگر کشورها و سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا در مواردی که دولت‌های خارجی به لحاظ سیاسی کاری با برخی ملاحظات در تعامل با دستگاه‌های اجرائی کشور، کمتر حاضر به گفت‌وگو با رایزنی برای موضوعاتی مانند تحریم دارو یا وضعیت پناهندگان و حل‌وفصل مشکلات ایرانیان خارج از کشور هستند، کانون وکلا می‌تواند یاور خوبی برای مساعدت به دولت در چنین موضوعاتی باشد.

ن باید از نظر دور داشت که آنچه در این نوشتار رقم می‌خورد، ناظر بر شخصیت حقوقی کانون‌های وکلای دادگستری کشور است، نه نقشی که وکلای دادگستری به‌عنوان شخص حقیقی و به اعتبار جایگاه علمی یا موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی خویش در درون حاکمیت به انجام می‌رسانند. باین‌حال تردیدی وجود ندارد که نوعی در برابر نقش آفرینی کانون‌های وکلا به‌عنوان یک نهاد واسط در عرصه‌های مختلف وجود دارد که اصلی‌ترین آن علاقه‌مند نبودن برخی مدیران اجرائی یا جریان‌های سیاسی به ایفای نقش مؤثر از طرف نهادهای مدنی است که این فقدان علاقه‌مندی، منحصراً به کانون‌های وکلا نیست. درحالی‌که ضروری است دولت از چنین ظرفیتی در کشور نهایت بهره را برده و از کانون وکلا در جایگاه یک «نهاد واسط» استفاده بپهینه کند و بر تقویت و دوام و قوام این نهاد مستقل مدنی اصرار داشته باشد، درحال حاضر آن‌طور که باید علاقه‌ای به استفاده از ظرفیت و پتانسیل کانون وکلا به‌عنوان یک نهاد واسط در کشور وجود ندارد، بلکه تضعیف کانون وکلا بیش از امور دیگر به چشم می‌آید. این در حالی است که یکی از وظایف دولت‌ها در ساختار سه‌وجهی، تقویت نهادهای مدنی و حمایت معنوی از آنها برای توسعه مردم‌سالاری و مدیریت مشارکتی در اداره امور کشور است و نمی‌توان به صورت درازمدت با نادیده‌گرفتن نهادهای مدنی و سلب‌بقه‌داری مانند کانون وکلا و تضعیف آن، امیدوار به حرکت در مسیر توسعه بود. درحال حاضر تصویب قوانینی مانند «قانون نحوه تشکیل و فعالیت تشکل‌های صنفی-تخصصی» که در بهمن سال گذشته به تصویب مجلس رسید، می‌تواند تا اندازه‌ای خلاهای موجود در این زمینه را در حوزه‌های تخصصی و مشورتی مرتفع کند، اما باید در این راستا به خواست و اراده دولت برای استفاده از ظرفیت نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های صنفی و ایجاد فضای مناسب برای فعالیت آنها امیدوار بوده؛ والا تصویب قانون صرفاً شرط لازم است و بدون وجود زمینه اجرای آن، نمی‌توان امیدوار به ایجاد تغییر در این زمینه بود.